

**MfJ****Medical Fiqh Journal**

2024; 16(46): e5



Criminal Liability of Metaverse Space Users for Physical Injuries from the Perspective of Islamic Religions

Neda Mohammadi¹, Saied Kheradmandi^{2*}, Jawad PourKarami³

1. PhD student in private law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: With entering the new technology into daily life, there is a need to extend legal rules to it. The new virtual space of Metaverse can be a place for committing criminal acts. In this research, the damage caused to the physical integrity of Metaverse users has been studied, and its purpose is to explain the criminal responsibility of users in this regard.

Materials and Methods: This research has been carried out by analytical-descriptive method.

Findings: All intentional crimes in the Metaverse are considered criminal offenses and their punishments are mentioned in the law. Crimes committed can be intentional or unintentional depending on the degree of knowledge of the possibility of crime. Imamiyya jurists emphasize the need to remove criminal liability from people without malicious intent, and contemporary jurists, such as Sunni jurists, emphasize the authority of the Islamic ruler to punish offenders. Some Sunni jurists believe in that even in the absence of malice, if the offender is aware of the possible criminal consequences of his action, he deserves to be punished. Since there is a measurement criterion for probability, it is possible to punish the perpetrator of a criminal act by determining a certain limit, even assuming the absence of malice.

Conclusion: Damage to the physical integrity of Metaverse space users, under certain conditions, is a criminal offense and must be punished. In a situation where a pure mistake has been committed, the penalty can be intensified. In order to prevent the occurrence of crime, the users of this space should be given necessary and specialized training. Also, all these concerns can be resolved by establishing specialized legal laws.

Keywords: Criminal Liability, Metaverse, Jurisprudence, Islamic Religions, Physical Injury

Corresponding Author: Saied Kheradmandi; **Email:** saeid.kheradmandy@iau.ac.ir

Received: July 9, 2024; **Accepted:** August 24, 2024; **Published Online:** September 23, 2024

Please cite this article as:

Mohammadi N., Kheradmandi S., PourKarami J. Criminal Liability of Metaverse Space Users for Physical Injuries from the Perspective of Islamic Religions. *Med Fiqh Journal*. 2024; 16(46): e5.



مجله فقه پزشکی

دوره شانزدهم، شماره چهل و شش، ۱۴۰۳



مسئولیت کیفری کاربران فضای متاورس در آسیب‌های جسمی وارده

از دیدگاه مذاهب اسلامی

ندا محمدی^۱، سعید خردمندی^{۲*}، جواد پورکرمی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پس از ورود تکنولوژی جدید به زندگی روزمره، نیاز است که قواعد حقوقی بدان تعمیم داده شود. فضای مجازی جدید متاورس می‌تواند محل ارتکاب اعمال مجرمانه باشد. در این پژوهش مسئله آسیب وارده به تمامیت جسمی کاربران متاورس، مورد مطالعه قرار گرفته و هدف آن است که مسئولیت کیفری کاربران در این خصوص تبیین گردد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش که به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده، هدف از آن مسئولیت کاربران فضای متاورس در آسیب‌های جسمی وارده به دیگر کاربران می‌باشد.

نتیجه‌گیری: تمامی جرائم عمدی در فضای متاورس، در حکم مباشرت جرم بوده که مجازات آنها در قانون ذکر شده است. جرائم ارتكابی حسب میزان اطلاع از احتمال وقوع جرم، می‌تواند عمدی یا غیر عمدی دانسته شود. فقهای امامیه به لزوم رفع مسئولیت کیفری در افراد فاقد سوءنیت تأکید داشته، در حالی که فقهای معاصر به مانند فقهای اهل سنت، بر اختیار حاکم اسلامی در مجازات خطاکاران تأکید دارند. برخی از فقهای اهل سنت، بر این عقیده‌اند که حتی در صورت فقدان سوءنیت، اگر خطایی به احتمال نتیجه مجرمانه عمل خویش واقف بوده، مستحق مجازات است. از آنجا که برای احتمال، معیار سنجش وجود دارد، می‌توان با تعیین حد مشخص، مرتکب فعل مجرمانه را، حتی به فرض فقدان سوءنیت، مجازات نمود. بنابراین تحت شرایط خاص، آسیب به تمامیت جسمانی کاربران فضای متاورس، در حکم مباشرت جرم بوده و می‌بایست بر مجرم کیفر اعمال شود. در وضعیتی که خطای محض ارتکاب یافته، می‌توان مجازات تعزیری را تشدید کرده و در راستای پیشگیری از وقوع جرم، می‌بایست آموزش‌های لازم و تخصصی در این خصوص، به کاربران این فضا داده شود. با وضع منبع حقوقی تخصصی می‌توان تمامی این دغدغه‌ها را پوشش داد.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، متاورس، فقه، مذاهب اسلامی، آسیب

نویسنده مسئول: سعید خردمندی؛ پست الکترونیکی: sabersaeid.kheradmandy@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mohammadi N., Kheradmandi S., PourKarami J. Criminal Liability of Metaverse Space Users for Physical Injuries from the Perspective of Islamic Religions. Med Fiqh Journal. 2024; 16(46): e5.

مقدمه

هر فناوری جدید در دنیای بشری، ممکن است به‌عنوان آلت جرم قرار گیرد. از این رو بررسی و شناخت ماهیت آن و تحقیق در خصوص ابعاد حقوقی علوم جدید حائز اهمیت است (۱). به دنبال پیشرفت علوم الکترونیکی و رایانه، فضایی مجازی معرفی شده که با استفاده از ابزارهای خاص، افراد به آن وارد شده و زندگی جدیدی را تجربه می‌نمایند. این فضای جدید «متاورس» نام دارد. برای بررسی مفهوم متاورس، به جای مراجعه به کتب فرهنگ لغت فارسی، فرهنگ‌های انگلیسی به فارسی بررسی شده و واژه «متا»^۱ معادل «جهان»^۲ آمده است. البته برای جهان، معادل‌های لاتین فراوانی برشمرده شده و متا به نوعی تفسیر موسع شده که بر مبنای آن، چیزی که به صورت عامیانه و جهانی شود، متا نام دارد. درخصوص «ورس» نیز معنی مستقیم یافت نشد. برخی آن را هم‌خانواده «یونیورسال» به معنای بین‌المللی و برتر دانسته‌اند؛ اما به صورت معنی غیر مستقیم، می‌توان آن را به معنای برتر از جهان دانست.

ممکن است فردی به صورت غیر ارادی، مرتکب جرمی شده یا اینکه قوه تمیز وی به صورت لحظه‌ای زایل شده باشد. در این صورت نیز به سبب استفاده ناصحیح از قوه عقل، قابل مجازات نبوده و اعمال مجازات بر وی، برخلاف اصول اولیه عدالت می‌باشد.

درباره پیشینه مقاله حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: بهنام آفرین در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با عنوان «اختلالات دوقطبی از منظر جرم‌شناسی»، سال ۱۳۸۹، دانشگاه پیام نور بیان داشته که وسایل الکترونیکی جدید هیچ‌گاه نمی‌توانند نقش مباشر را بازی کنند (۳). نرگس الف، دوشابی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «میزان مسئولیت کیفری در بیماران مبتلا به اختلال روانی دو قطبی در ایران و انگلستان»، سال ۱۳۹۰، دانشگاه پیام نور تهران به نقش کاربر به‌عنوان مباشر اصلی جرم اشاره نموده است (۴). خالقی و رجبی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل معیار نوعی در عنصر روانی

جرم قتل عمدی (مطالعه تطبیقی)»، سال ۱۳۹۲، نشریه حقوق کیفری، ضمن تحلیل معیار نوعی در عنصر روانی جرم قتل عمدی بیان داشته‌اند که تا زمان اثبات سوءنیت در واردکردن خسارت به جان، نمی‌توان جرم را محرز نمود (۵). عباسی و غلامی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فقهی- حقوقی اجرای حد بر محکوم‌علیه بعد از عروض جنون»، سال ۱۳۹۶، نشریه فقه پزشکی، مسئله اجرای حد بر جرائم غیر مستقیم را بررسی کرده‌اند (۶). پویان بیگری در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عنصر روانی جرم بین‌المللی نسل زدایی در فقه و حقوق»، سال ۱۳۹۶، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، به بررسی عنصر روانی جرم بین‌المللی نسل‌زدایی در فقه و حقوق پرداخته است (۷). صالح‌آبادی و توده در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش اراده در عنصر روانی جرم»، منتشر شده در سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، سال ۱۳۹۶، بیان داشته‌اند که به محض احتمال وقوع جرم در فناوری جدید، می‌بایست تا زمان تدوین سازوکار دقیق مرتبط، از استفاده از آن خودداری نمود (۸).

ایمانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تطبیقی شاخصه‌های عنصر روانی جرم در نظام حقوقی ایران و انگلستان» سال ۱۳۹۸، دانشگاه تبریز، به مسئله ربات‌ها اشاره داشته و چنین بیان کرده است که کاربر در حکم مباشر جرم بوده که توسط ربات، اقدام به اجرا می‌کند (۹). شاه بلخی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «جایگاه عنصر روانی جرائم عمدی در حقوق کیفری افغانستان و ایران»، سال ۱۳۹۹، جامعه المصطفی العالمیه، جایگاه عنصر روانی جرائم عمدی در حقوق کیفری افغانستان و ایران را بررسی نموده است (۱۰). غیائیان در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی حقوقی اختلال دوقطبی در روانپزشکی»، منتشرشده در کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری، سال ۱۳۹۳، مشکلات روحی کاربر فضای مجازی را رافع مسئولیت کیفری ندانسته، چراکه وی از حضور در متاورس منع دارد (۱۱). قنبرپور و نقیبی در مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت عوامل مؤثر در ایجاد صدمات

1. Meta
2. Verse

اعصاب متمرکز است. در ادامه در این خصوص به تفصیل بحث گردیده و در اینجا به ذکر این نکته اکتفا شده که آسیب به جسم کاربران در فضای متاورس قابل انجام بوده و به سبب مجرمانه بودن این فعل، قابلیت بحث از دیدگاه حقوق کیفری را دارد.

در خصوص جرائم ارتكابی در متاورس، تاکنون هیچ تحقیقی انجام نشده و به‌طور کلی تحقیقات علمی در خصوص متاورس، بسیار نوظهور است. در این تحقیق ضمن تمرکز بر نظریه فقه‌های اسلامی و سپس قواعد حقوقی، مسئولیت ایراد وارده به جان در فضای متاورس بررسی گردیده است.

مواد و روش‌ها

در این پژوهش با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز با مطالعه متون فقهی و مقایسه آن با دیدگاه‌های علمای حقوق و مد نظر قرار دادن مواد قانونی و آرا و تطبیق آن با اسناد بین‌المللی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و با توصیف و تجزیه و تحلیل آنها به نتیجه‌گیری ابعاد مختلف موضوع پژوهش پرداخته شده است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای اسنادی، و روش گردآوری اطلاعات با استفاده از کتب، مجلات و نوشتارهای سایت‌های حقوقی و جمع‌آوری و بررسی آنها و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌های مطالعاتی و کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالاقضاء حوزوی و نیز مراجع دخیل در امور فقهی و حقوقی می‌باشد.

یافته‌ها

تاکنون مسئله جنایت بر جسم در فضای متاورس، از دیدگاه مذاهب اسلامی مورد بررسی قرار نگرفته و در این تحقیق به تفصیل به این مهم پرداخته خواهد شد. این تحقیق از این جهت ضرورت دارد که به نظر اکثر فقه‌های اسلامی، اطلاع از احتمال وقوع جرم در یک فرآیند و سپس ورود عامدانه به آن، حتی به فرض فقدان اراده ارتكاب، مستوجب مسئولیت کیفری

ناشی از جراحی‌های رباتیک» سال ۱۴۰۲، مجله فقه پزشکی، ضمن بررسی جراحی‌های رباتیک، به مسئولیت مباشر و سبب مرتبط با آن پرداخته‌اند (۵۱).

مقالات و پایان‌نامه‌های که به آنها اشاره گردید، به نحوی سعی در تبیین نقش تکنولوژی‌های جدید به‌عنوان عامل جرم داشته‌اند و متفق‌القول بیان نموده‌اند که کاربر در این وضعیت دارای مسئولیت کیفری کامل می‌باشد. لازم به ذکر است که از تولد فضای متاورس چند سال بیشتر نگذشته و تحقیقات انگشت شمار حقوقی‌ای به بررسی جنبه‌های دیگر آن پرداخته‌اند. تفاوت محیط متاورس با دیگر تکنولوژی‌های مورد بحث مذکور، در این است که فضای مورد بحث مقاله، محیطی مجازی و غیر واقعی برای نوع خاص زندگی بوده و نه ابزاری برای زندگی عادی. این مهم تاکنون سابقه نداشته و تحقیق حقوقی‌ای نیز در این خصوص صورت نگرفته است. تنها وجه اشتراک این مورد با تکنولوژی‌های مورد بحث در مجازی بودن و جدید بودن آن است و از حیث نوع زندگی و ماهیت، دارای تفاوت‌های اساسی بوده و از این جهت وجه نوآورانه پژوهش کنونی را به خوبی بیان می‌کند.

همان‌طور که اشاره شد، با توجه به جدید بودن تکنولوژی متاورس، اطلاعات مکفی در این خصوص وجود ندارد. با این حال فعالین این عرصه معتقدند که مسائل حقوقی به مانند جهان عادی، در این فضا نیز وجود دارد. در حیطه حقوق خصوصی، تعرض به مالکیت‌ها، اختلاف بر سر اموال و ... محتمل است. ارتكاب جرم نیز در فضای متاورس محتمل می‌باشد. ممکن است احدی از کاربران، مال کاربر دیگری را با حيله و نیرنگ تصاحب کرده که مصداق تحصیل مال نامشروع می‌باشد. سرقت هویت، تخریب اموال در متاورس و ... متصور است.

مسئله‌ای که با زندگی عادی نیز در ارتباط می‌باشد، آسیب‌های وارده به جسم انسان است. حسب نظر خبرگان این تکنولوژی، می‌توان توسط بدافزارها، به تمامیت جسمی کاربران آسیب وارد نمود که عمدتاً بر چشم، گوش، لامسه و

خدمات تعیین می‌شود؛ اما ویژگی‌های خاص دنیای مجازی متاورس، چالش‌های تازه‌ای را در زمینه اجرای قراردادهای پدید آورده است (۱۳). برای نمونه فرض شود در یک مورد، شرکت X که یک شرکت فعال در حوزه متاورس است، قراردادی با شرکت Y برای فروش زمین مجازی به ارزش S رمز ارز امضا کرده است. طبق قرارداد، شرکت الف موظف است ظرف m روز زمین مجازی را به شرکت Y تحویل دهد؛ اما پس از گذشت n روز، شرکت X همچنان زمین را تحویل نمی‌دهد و شرکت Y دچار ضرر مالی می‌شود (۱۴).

جرائم متعددی در فضای متاورس متصور است. حسب آخرین یافته‌های تخصصی، تمامی جرائم علیه تمامیت جسمانی در فضای متاورس؛ متوجه چشم، گوش و اعصاب و روان می‌باشد (۱۳). این اعمال می‌تواند عامدانه و با طراحی بدافزار انجام شود و می‌تواند به صورت غیر عامدانه و در حین فعالیت باشد. آسیب به جسم کاربران همواره با طراحی بدافزار ممکن نبوده و می‌توان با اعمال عادی مکرر، جسم کاربران را تحت تأثیر قرار داد.

۲. فضای متاورس

متاورس نوعی فضای زندگی مجازی بوده که کاربران توسط عینک‌های مخصوص در آن حضور دارند. وسیله پرداخت در فضای متاورس، رمزارز می‌باشد (۱۵). از دیدگاه حقوق خصوصی اختلالات در خصوص املاک، مشاغل، مسائل مالی و ... متصور است. از دیدگاه حقوق جزا نیز برخی جرائم نظیر تخریب، ورود غیر قانونی به حریم شخصی، هک کردن و ... پیش‌بینی شده است. هنوز قانونی در خصوص این فضا به تصویب نرسیده و لذا ضرورت اکید در شناسایی ماهیت و سپس تدوین قانون با هدف پیشگیری و نظارت بر آن ضرورت دارد.

۳. آزار و اذیت سایبری

به مانند هر تکنولوژی جدید، امکان استفاده‌های مثبت و منفی از آن متصور است. ذیل این قسمت به اهم این موارد اشاره شده است:

۳-۱. آسیب‌های جسمی وارده: تاکنون موردی از آسیب جسمی در فضای متاورس گزارش نشده، لیکن حالات مختلف

می‌باشد؛ لذا می‌بایست در این مورد بازنگری صورت گیرد؛ لذا با توجه به اثرگذاری دیدگاه‌های فقهی بر قانون‌گذاری، نویسندگان مقاله بر آن شدند تا دیدگاه مذاهب اسلامی را در این خصوص مورد بررسی قرار دهند. سؤال پژوهش این است که مسئولیت کیفری کاربران متاورس در ورود صدمه جسمی به دیگر کاربران، از دیدگاه فقه امامیه و مذاهب اهل سنت به چه صورت است و حسب این نظرات، قانون‌گذار جدید می‌بایست به چه مسائلی توجه نماید؟

۱. مفهوم‌شناسی جرم در متاورس

با توجه به نوپا بودن فناوری متاورس، هنوز همه جنبه‌های حقوقی مرتبط با آن مشخص نشده است و درک فعلی از چالش‌های حقوقی آن براساس حدس و گمان است. تا زمانی که این فناوری به‌طور گسترده مورد استفاده قرار نگیرد، شناسایی دقیق تمام جنبه‌های حقوقی آن غیر ممکن خواهد بود؛ اما مطالعه و بررسی چالش‌های فعلی می‌تواند راه را برای گستردگی و توسعه بیشتر متاورس هموار کند.

قرارداد به مثابه یک توافق الزام‌آور حقوقی، نقشی اساسی در تنظیم روابط اقتصادی و اجتماعی دارد. قرارداد یک توافق بین دو یا چند نفر است که براساس آن، طرفین متعهد می‌شوند عمل یا اعمالی را انجام دهند یا از انجام عمل یا اعمالی خودداری کنند (۱۲).

متاورس به‌عنوان یک فضای مجازی سه‌بعدی، ابزاری نوین برای تعامل انسان‌هاست و پتانسیل ایجاد فرصت‌های جدیدی را برای تعاملات اجتماعی، تجاری و اقتصادی فراهم می‌کند. تعاملات با چالش‌های مربوط به اجرای تعهدات قراردادی در فضای مجازی متاورس همراه است. در متاورس، قراردادها می‌توانند برای تنظیم طیف گسترده‌ای از تعاملات استفاده شوند. به‌عنوان مثال، قراردادها می‌توانند برای تنظیم خرید و فروش کالاها و خدمات مجازی، استخدام کارکنان مجازی و مشارکت در پروژه‌های مشترک استفاده شوند.

تعهدات قراردادی در دنیای واقعی معمولاً شامل قراردادها و توافق‌نامه‌های الزام‌آور قانونی بین طرفین است که با امضای آن‌ها، شرایط و ضوابط خاصی برای انجام مبادله‌ی کالا یا ارائه

نرم‌افزار مستقیماً برای آسیب‌رسانی استفاده شود، کاربر نقش مباشر داشته و اگر در این بین فعلی دیگر انجام شده که نتیجه آن آسیب به جسم کاربران بوده، در حکم تسبیب می‌باشد.

۲-۳. دیگر اقدامات مجرمانه: باتوجه به گسترش ابعاد زندگی در محیط متاورس، اعمال مجرمانه ذیل متصور است: (۲).

(۱) تصاحب املاک. بدین‌صورت که با نرم‌افزارهای طراحی‌شده، اموال کاربران فضای متاورس علی‌رغم رضایت آنها تصاحب می‌گردد.

(۲) ضربه به جان دیگر کاربران. در این خصوص توضیحات مکفی در بخش پیشین داده شد. می‌تواند به اعصاب، چشم، گوش و حس لامسه کاربران فضای متاورس آسیب وارد نماید. (۳) اذیت و آزار کاربران. حتی اگر به جان افراد آسیب وارد نشود، می‌تواند با اعمالی، موجب آزار کاربران می‌شود. مثلاً کلید منزل آنها را تعویض، و یا اینکه در مسیر حرکت آنها مانع‌اندازی نماید. تمامی مسائلی که درخصوص ویروس رایانه‌ای وجود دارد، در فضای متاورس نیز قابل تصور است. سرقت هویت افراد، کلاهبرداری و ... نیز در این مورد متصور بوده که همگی به صورت نرم‌افزاری قابل انجام است.

۴. مباشر، معاون و شریک جرم

قانون‌گذار از نهاد «مباشرت» تعریف دقیقی ارائه نکرده، لیکن حسب معنی آنکه به معنای اقدام مستقیم بوده و تمرکز در مواد ۲۷۲، ۳۷۸، ۴۱۹، ۴۹۲ و ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی، می‌توان چنین بیان داشت که منظور از مباشر، مجرم اصلی بوده که مستقیماً اقدام مجرمانه را به سرانجام رسانده است (۴۶). به جز در موارد اکراه، اجبار و اضطرار، نمی‌توان مسئولیت مباشر را به سبب صرف انجام، رفع شده دانست.

معاونت جرم در فصل سوم از بخش سوم قانون مذکور تعریف شده که مواد ۱۲۶ الی ۱۲۹ را شامل می‌شود. تعریف معاونت جرم مطابق ماده ۱۲۶ همین قانون:

(۱) هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

آن متصور و محتمل است (۴۵). آسیب به تمامیت جسمی کاربران، احتمالاً در حد مشکلات عصبی و ... بوده و حسب نظر خبرگان این حوزه به هیچ‌وجه به مرگ ختم نمی‌شود. به هر حال با توجه به احترام به جان انسان‌ها، می‌بایست از این اقدام ناشایست محافظت شود. در این خصوص حالات ذیل متصور است:

می‌توان بدافزاری تهیه نمود که دارای ظاهری جذاب باشد. در این راستا دیگر کاربران آن را باز نموده و یا اعمالی بر روی آن انجام دهند. در این وضعیت آسیب مستقیم به جان کاربران متصور نیست، هرچند که خود کاربر در فضای متاورس می‌تواند از این مورد آسیب ببیند. جدا از مسئولیت کیفری ورود چنین خسارات جانی، دو عضو مهم از بدن شامل چشم و اعصاب مد نظر است. بدافزار تهیه شده ممکن است با ترکیب برخی تصاویر ناسالم، به چشم کاربر آسیب بزند. این آسیب‌ها ممکن است به عمل جراحی چشم ختم گردد. از طرف دیگر نیز می‌تواند ضمن به بازی گرفتن اعصاب طرف مقابل، موجب بروز مشکلات عصبی گردد. با تولید صدای خشن ممکن است گوش افراد آسیب‌دیده و یا با اینکه ضمن بازی با حس لامسه، موجب تشدید بیماری عصبی گردد. به هر حال این بدافزار می‌تواند چنین آسیب‌های جسمی به کاربران فضای متاورس وارد نماید. با این حال در این خصوص سه حالت متصور است:

(۱) کاربران در اوج بی‌اطلاعی، ضمن انجام برخی اعمال در چارچوب یا خارج از عرف، به جسم دیگر کاربران آسیب می‌زنند.

(۲) کاربران با وجود اطلاع از احتمال آسیب به جان دیگران، بدون قصد مجرمانه وارد شده و به جان دیگری آسیب می‌رساند.

(۳) کاربران با علم و آگاهی و عامدانه، در چارچوب فضای متاورس و یا طراحی و اجرای بدافزار، به جان دیگر کاربران آسیب وارد می‌نمایند.

پرواضح است که نقش کاربر مجرم در آسیب زدن به تمامیت جسمی دیگر کاربران، به صورت مباشر بوده و البته در مواردی خاص، آسیب‌رسانی به صورت تسبیب نیز متصور است. اگر

مسیر استفاده از آن مرتکب قصور گردیده و در این صورت دارای مسئولیت خطای محض می‌باشد.

با توجه به موارد مطروحه، میزان سهم تقصیر سازنده، ناظر و کاربر، حسب تحقیقات قضائی مشخص شده و ممکن است تمامی افراد دخیل، تبرئه شده و یا مجرم شناخته شوند و در این صورت میزان سهم هریک مشخص است. ممکن است برخی بی‌گناه و برخی دیگر مجرم شناخته شوند.

۵. نیاز به قانون‌گذاری

ابعاد مختلف هر فناوری جدید، ناشناخته بوده و نیاز است که ساختار کلی آن از دیدگاه حریم خصوصی و لزوم احترام به آن، مورد بررسی قرار گیرد (۱۶). پیشینه قانون‌گذاری چنین نشان داده که تا زمان قانون‌گذاری درخصوص یک مسئله خاص، استفاده از آن رسمیت ندارد (۱۷). قراردادهای الکترونیکی پس از تصویب قانون مرتبط در سال ۱۳۸۲ رسمیت یافت. این مهم نشان از آن داشته که حقوق‌دانان نمی‌توانند سازوکارهای جدید را به حال خود رها کنند. درخصوص متاورس نیز می‌بایست هم‌زمان با تصویب قوانین مرتبط با رمزارز، به این مسئله نیز پرداخته شود.

۶. وضعیت حقوقی کنونی

نه‌تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان هنوز قانونی درخصوص متاورس تدوین نشده است. حقوق‌دانان ضمن تعمیم قواعد عام حقوقی، سعی در تبیین مسئولیت‌های حقوقی حضور در این فضا را دارند. مسائل حقوقی از دو جنبه مدنی و کیفری قابل بحث است. تجربه نشان داده که نیاز است قواعد عام، به صورت قواعد خاص تعمیم داده شود، در غیر این صورت در تبیین ماهیت حقوقی برخی از مسائل مشکلاتی ایجاد می‌شود. در حال حاضر قواعد مسئولیت‌های مدنی و کیفری، به مسائل متعددی تعمیم داده شده، لیکن بازهم ناکافی به نظر می‌رسد. مهم‌تر از همه آنکه قضات هنوز به سازوکار این فضا آشنایی نداشته و نیاز است در منابع حقوقی، بدان توجه گردد. در نهایت قانون‌گذاران به فکر وضع قوانین مرتبط با این مهم خواهند پرداخت، با این حال نیاز است که قواعد حقوقی عام به مسائل خاص آن تعمیم داده شود.

۲) هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

۳) هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره: برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

شریک جرم نیز در ماده ۱۲۵ همین قانون تعریف شده است.

در جرائم متاورس دو حالت متصور است.

۱) به سبب بی‌جان بودن فضای متاورس، خود کاربر مباشر محسوب شده و معاونت و شراکت جرم متصور نمی‌باشد.

۲) ابزار متاورس، از جمله بدافزارها، مباشر جرم محسوب شده و کاربر، در حکم معاون می‌باشد.

این مسئله مهم که مسئولیت کاربر و سازنده یک تکنولوژی جدید به چه صورت است، یکی از مباحث مهم در حقوق کیفری می‌باشد. حسب تفسیر موسع این مهم، بحث میزان قصور و همچنین قصد مجرمانه مطرح است.

اگر سازنده تکنولوژی به صورت عامدانه، آن را برای اعمال مجرمانه ساخته باشد، دارای مسئولیت کیفری مستقیم است؛ اما در غیاب قصد مجرمانه، اگر به صورت عرفی، قصوری در جریان ساخت انجام شده باشد، آنها تنها مسئول جبران خسارت خواهند بود. در مواردی که تکنولوژی‌ها به صورت رسمی و قانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد، واحد کنترل کیفیت شرکت سازنده و یا شرکتی دیگر، مسئولیت نظارتی آن را بر عهده گرفته و در صورت بروز خطا، این نهاد مسئول جبران خسارت خواهد بود. تشخیص عمد در ایجاد مشکلات ساختاری تکنولوژی نیز بر عهده ضابطین خاص دادگستری می‌باشد.

کاربر نیز از جهت استفاده صحیح از تکنولوژی دارای مسئولیت است. اگر کاربر عمداً از تکنولوژی در مسیر مجرمانه استفاده نماید (همچون انفجار بمب به وسیله ابزار الکترونیکی) وی مباشر اصلی جرم محسوب می‌گردد؛ اما ممکن است عرفاً در

۷. ارتکاب جرم در حقوق اسلامی

همان‌طور که اشاره شد، به سبب اثرپذیری امور تقنینی کشور از فقه اسلامی، در خلأهای قانونی مراجعه به نظرات مرتبط در منابع فقهی ضرورت دارد. پس از بررسی‌های فراوان درخصوص جایگاه عمدی بودن جرائم مندرج در قانون مجازات اسلامی، نظر فقهای امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت مورد بررسی قرار گرفته که ذیلاً به تفکیک در این خصوص بحث گردیده است.

۷-۱. دیدگاه فقهای امامیه: اهم بیانات فقهای امامیه آن است که اگر قصد ارتکاب جرم، به اراده مبدل شده و یا اینکه با علم به احتمال وقوع جرم، عمل ابتدایی انجام شود، می‌توان مجرم را مجازات نمود، در غیر این صورت تنها جبران خسارت بر وی واجب است (۱۸). حتی بیان شده که اگر بدون قصد کافی برای جرم، تنها با هدف خطر، عمل ابتدایی انجام شود، جرم غیر عمدی تلقی می‌گردد (۱۹). حر عاملی نیز معتقد است که با وجود عدم تعزیر مجرمین بدون سوءنیت، می‌توان جزای نقدی آنها را به طرزی پیشگیرانه افزایش داد (۱۹).

در جمع‌بندی نظر فقهای امامیه، می‌توان بیان داشت که تحت شرایط ذیل، حتی خطای محض نیز به مانند جرم عمدی قابل مجازات است (۲۰).

۱) علم به مجرمانه بودن عمل.

۲) علم به احتمال نوعاً مجرمانه بودن فعل.

۳) ارتکاب اولیه فعل، حتی به فرض عدم اراده بر فعل دوم.

۴) عدم احتیاط مکفی، نوعاً مجرمانه بودن.

۵) دور زدن موانع برای ارتکاب فعل نخست.

۶) عامدانه انجام دادن فعل ثانی.

تحت این چارچوب شرایط نسبتاً سخت‌گیرانه تری برای عدم احتیاط مرتبط با عمل مجرمانه در نظر گرفته شده و شخص مطلع می‌بایست کاملاً از محیط جرم دور باشد (۲۰).

برخی نیز حاکم اسلامی را در تعزیر خاطیان مختار دانسته و امکان عفو مجرم را تنها در جرائم حق‌اللهی مجاز دانسته‌اند (۲۱).

از بین فقهای معاصر آیت‌الله خوئی به زوال عقل دوره‌ای اشاره داشته و چنین عنوان نموده که اگر فعل اول در وضعیت افاقه، و فعل ثانی در وضعیت جنون باشد، جرم محقق است (۲۲). از بیانات فقهای محترم چنین بر می‌آید که اگر فعل نخست، منجر به امکان ارتکاب فعل ثانی مجرمانه شود، شخصی که از ارتکاب به فعل اول احتیاطات لازم را اعمال ننموده، مستحق مجازات است، لیکن شدت این مجازات مورد اختلاف است. کتاب پنجم تعزیرات، برای رانندگان با خطای فاحش، مجازات حبس تعیین کرده که به نظر می‌رسد منعکس از این بیانات باشد.

بنابراین شخصی که از احتمال وقوع جرم در فضای متاورس باخبر است، می‌بایست از ورود به آن خودداری نماید، لیکن غیر عمدی بودن ارتکاب فعل دوم را نمی‌توان دلیلی بر رفع مسئولیت کیفری وی دانست؛ چراکه در فعل اول بی‌احتیاطی ملحوظ بوده است.

نکته مهم اینکه فرض شود شخصی نسبت به بروز جرم در یک مورد خاص، احتمال می‌دهد. مسئولیت وی در این خصوص به چه صورت است، جای سؤال می‌باشد. در برخی نظام‌های حقوقی، نظیر نظام حقوقی کشور عراق، بحث بی‌مبالاتی از خطای محض تفکیک گردیده و به چنین افرادی، عنوان بی‌پروا اطلاق شده و به نسبت جرمی که عامدانه انجام شده، مجازاتی لحاظ می‌گردد.

در کشور ما این نهاد وجود نداشته و در صورت فقدان قصد مجرمانه، عمل مجرمانه با عنوان خطای محض بررسی می‌گردد. کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، برخی از مصادیق بی‌مبالاتی، نظیر تصادفات رانندگی را جرم‌انگاری کرده و برای بی‌احتیاطی‌های شدید، مجازات حبس تعیین نموده است.

در وضعیتی که فردی از غیر ایمن بودن فضای سایبری اطلاع داشته و ممکن است از وی اخاذی گردد، حسب قواعد فقهی اقدام، احتیاط و لاضرر؛ مسئولیت اخلاقی کاربر چنین ایجاب کرده که به این فضا وارد نشود و در صورت ارتکاب اعمال مجرمانه، با وی برخورد قانونی شود. با این حال در حال حاضر

در میان فقهای شافعی، به مانند فقهای امامیه، تنها به فقدان اراده (و نه قوه تمییز) اشاره شده و این مهم از موانع اعمال مجازات دانسته شده است. هرچند که معیار و دلیلی برای اثبات این وضعیت پیش‌بینی شده، با این حال این ادله با جنون دائمی دارای شباهتهایی می‌باشد.

اگر این عقاید به فضای متاورس تعمیم داده شود، می‌توان چنین فرض نمود که اگر یک کاربر از احتمال فقدان اراده خود در فضای مجازی اطلاع داشته و سپس وارد آن گردد، در این خصوص دارای مسئولیت است. همچنین استنباط قاعده اتلاف از این بیانات ممکن است. اگر به علت هر اشتباهی، تلف صورت گیرد، جبران خسارت ضرورت دارد. نمی‌توان اتلاف را به حال خود رها کرد. در اینجا می‌بایست به حداقل‌های قصور اشاره نمود و اگر احتمال تکرار این قصورات توسط دیگران مشهود باشد، می‌بایست به نحوی بازدارندگی ایجاد نمود. بنابراین حسب این قاعده، کاربر فضای مجازی که به هر طریق ممکن به دیگری آسیب‌زده، نباید بری شمرده شود.

۲-۷. مالکیه: دیدگاه فقهای مالکی به نظر اندکی سخت‌گیرانه است، با این حال روح و درون‌مایه توصیه فقهای دیگر را حفظ نموده است. در نظریه فقهای مالکیه چنین آمده که ارتکاب فعل مجرمانه اول، تحت هر عنوان، نشانی از عمدی بودن دارد (۲۵). به نظر می‌رسد که به جز وضعیت جنون دائمی، ارتکاب فعل مجرمانه اول که احتمال وقوع اقدام تبعی آن متصور است، تحت هر عنوان عمدی محسوب می‌گردد. برخی از فقها معتقدند که اصل بر عمدی بودن جرم است، مگر آنکه خلاف آن به اثبات رسد (۲۶). برخی نیز بیان داشته‌اند که فقدان علم به موضوع، به جز در مواردی که عذر شرعی وجود داشته باشد، نمی‌تواند مانع از مسئولیت کیفری باشد (۲۷). در این خصوص دیدگاه‌های تفسیری بیان شده است و چنین عنوان شده که تعلیم توسط عاقله و دستگاه‌های حکومتی ضرورت داشته و به صورت کلی پذیرش عذر عدم اطلاع، منتفی است. برخی نیز معتقدند که تنها برای مجانین، زنان و کودکان، عذر فقدان علم پذیرفته شده است (۴۸). در این دیدگاه تا حدودی به فقدان لحظه‌ای قوه تمییز اشاره شده

ساختار کلی قانون مجازات اسلامی به قضات اجازه چنین برخوردی را نداده و نهایتاً در تعمیم قواعد خطای محض به این مورد، کاربر ملزم به جبران خسارت خواهد بود. امید است که با تصویب منبع حقوقی تخصصی در این مورد، قواعد فقهی مذکور مد نظر قرار گرفته و برای افرادی که ضمن اطلاع از وضعیت فضای متاورس به آن وارد شده و موجب ایجاد خطرات فراوان می‌گردند، مجازات بازدارنده مناسب تعیین نمود.

۲-۷. دیدگاه مذاهب اربعه اهل سنت: ذیل این قسمت دیدگاه مذاهب اربعه اهل سنت در مسئله مورد بحث بررسی گردیده است. برخی از این دیدگاه‌ها نزدیک به دیدگاه امامیه است و برخی دیگر دارای جزئیات بیشتری می‌باشد. با این حال نیاز می‌باشد که نسبت به بررسی عمیق‌تر این موضوع با هدف شناخت نقاط قوت و ضعف آن اقدام گردد.

۱-۲-۷. شافعیه: اکثر فقهای شافعی به مانند فقهای امامیه معتقد به مجازات نسبتاً سبک‌تر خطاکار خاطی فاحش می‌باشند (۴۷). چنین بیان شده که اگر حجت تحذیر بر شخصی اتمام شده باشد، مجازات خطای وی به مانند اقدام مجرمانه عمدی است (۲۲). اگر احتمال ارتکاب فعل مجرمانه بسیار اندک بوده باشد، در این صورت مرتکب را نمی‌توان مجرم دانست و تعزیر از وی برداشته می‌شود (۲۹). با این حال ضمان عاقله نیز در این وضعیت محرز است (۲۲). در منابع شافعیه مذکور است که برای «چاه‌کنی» که اطراف چاه را به درستی نبسته و کار را تمام شده دانسته است، حبس در نظر گرفته شود (۵۰). همچنین اگر اتلافی صورت گرفته و مقصر نسبت به احتمال عمل خودآگاه بوده است، وی بی‌تقصیر نبوده و می‌بایست بر وی حد جاری گردد (۲۳). تنها در صورت عدم اطلاع کامل از احتمالات فعل/ترک فعل، مجرم از مجازات معاف بوده و تنها ملزم به جبران خسارات مادی خواهد بود (۲۴).

بنابراین در صورت ۱) آغاز فعل اول فاقد عنوان مجرمانه در زمان افاقه، ۲) اطلاع از احتمالات وارده و ۳) ارتکاب فعل تبعی مجرمانه (خواه در حال افاقه یا جنون)؛ مسئولیت کیفری وی محرز است.

غیر عمدی بودن جرم، دو بار معافیت صورت گیرد، در دفعه سوم، مجازات جرم عمدی بر وی اعمال می‌گردد (۳۴). اگر قواعد علمی ریاضیات با این دیدگاه‌ها قیاس شود، اگر احتمال وقوع جرم به سبب اقدام تبعی، بیش از ده درصد باشد، اقدام به فعل اصلی، در حکم جرم عمدی است. بنابراین اگر کاربر فضای متاورس بیش از ده درصد به نتیجه مجرمانه اقدام خود اطمینان دارد، نباید آن را انجام دهد.

۴-۲-۷. حنابله: دیدگاه حنابله در خصوص موضوع مورد بحث، بسیار نزدیک به دیدگاه حنفیان است. قویاً بیان شده که اگر احتمال وقوع جرم، از احتمال عدم وقوع آن بیشتر باشد، نباید آن را انجام داد (۳۴)؛ اما نکته قابل توجه اینکه جملگی فقهای حنبلی معتقدند که برای خطای محض نیز می‌بایست مجازاتی به تناسب جرم عمدی در نظر گرفته شود (۳۷). با این حال تنها در یک منبع ذکر شده که اگر احتمال وقوع جرم در اقدامات تبعی اندک باشد، انجام آن بلامانع است (۳۸). در خصوص مجازات تعزیری نیز چنین بیان شده که اگر جرم مستوجب قصاص بود، مقصر به حبس طویل محکوم گردد (۳۹). در خصوص تکرار جرم نیز مطلب خاصی بیان شده و تنها یک‌بار نقصان مسئولیت برای خطای محض توصیه شده است (۴۰)؛ اما نکته قابل توجه که تنها در منابع حنابله مشهود است اینکه اگر جرم به سبب مصرف مسکرات باشد، جرم عمدی دانسته شده؛ چراکه اصولاً افراد می‌بایست از نوشیدن مایعات مست‌کننده خودداری نمایند (۴۱). در دوران صدر اسلام واکسن سرخک وجود داشت که گاه موجب مرگ کودکان می‌شد. فقهای حنبلی، با استناد به این قواعد، استفاده از واکسن را ممنوع دانسته و برای پزشکانی که آن را توصیه می‌نموده‌اند، مجازات تعیین کرده‌اند (۴۲). با این حال نکته قابل توجه که تفاوت ظریف دیدگاه حنابله با احناف را مشخص می‌سازد، تعداد مجاز تکرار جرم است (۴۳). توصیه شده که برای اطلاع‌رسانی مجرمانه بودن یک اقدام، دستگاه‌های دولتی مسئول بوده و پس از آموزش‌های مکفی، مسئولیت برای همگی محرز است (۴۴).

است. بنابراین اگر کسی خلل عقل وی به مدت کمتر از نیمی از اوقات روزمره بوده و نزد اکثریت به آدم نسبتاً سالم معروف باشد، برای وی مسئولیت کامل کیفری محقق است. این نظریه فاقد تشریح جزئیات بوده و در منابع دیگر نیز در این خصوص مطلبی بیان نگردیده است (۲۹).

به نظر می‌رسد که دیدگاه مالکیه در خصوص موضوع مورد بحث، چندان کامل و با جزئیات نبوده و برخی مسائل بدون ذکر تفصیل بیان شده است؛ لذا به نسبت دو دیدگاه پیشین دارای نقصیاتی می‌باشد. بنابراین اگر این دیدگاه به مسئله متاورس تعمیم داده شود، اگر مجرم فضای متاورس، مجنون، کودک و زن نباشد؛ اقدام وی تحت هر حالتی، عمدی می‌باشد. منظور از زن بودن آن بوده که در صدر اسلام، زنان عمدتاً خانه‌نشین بوده و همسر آنها حق آموزش به آنها را داشته؛ لذا عدم علم آنها به برخی افعال مجرمانه، عذر شرعی تلقی می‌گردد.

۳-۲-۷. حنفیه: فقهای حنفی معیاری برای احتمال وقوع جرم به دلیل اقدام تبعی، در نظر گرفته‌اند. تنها مذهب اسلامی که به این معیار توجه داشته، مذهب حنفی می‌باشد. بنابراین مجرمانه بودن اقدام، حسب میزان احتمال سنجیده می‌شود (۴۹). در خصوص نحوه اثبات عامدانه بودن فعل مجرمانه، سرخسی (۴۸۳ م)، فخرالدین زلیعی (۷۴۳ م) و ابوالعباس حسینی حموی (م ۱۰۹۸) در کتاب غمز عیون البصائر فی شرح الاشباه و النظائر بیان داشته‌اند که اگر احتمال زیان‌بار بودن فعل، به نحوی بود که در ده بار تکرار، یک‌بار وقوع مشهود باشد؛ نمی‌توان مسئولیتی برای خاطی در نظر گرفت. در غیر این صورت مجازات وی به مانند دیگر جرائم است. همچنین تأیید احتمال وقوع جرم توسط سه عادل نیز توصیه شده است (۵۰). همچنین در جایی دیگر بیان شده که اگر از بین شش عاقل، سه عاقل به عدم ارتکاب فعل توصیه نمایند، ارتکاب جرم با احتمال بالا دانسته می‌شود (۳۲). با این حال بیان شده که در وضعیت عامدانه بودن، مجازات اندکی کمتر از جرم عمدی باشد (۳۳)؛ همچنین تأکید شده که اگر به واسطه

شدت احتمال وقوع جرم در متاورس، جای بحث فراوان دارد. با این حال اگر قانون‌گذار حسب نظر جمهور فقها، شدت احتمال بالای ۱۰ درصد برای آسیب جسمی به دیگر کاربران در نظر گرفته باشد (در متون مذهبی، ارزش جان انسان‌ها بسیار بالا در نظر گرفته شده است، به همین جهت شدت احتمال ده درصد دانسته می‌شود) کاربر می‌بایست از ورود به این فضا و یا ارتکاب اعمالی که زیان‌بار می‌باشد خودداری نماید. در خصوص مجازات وی نیز می‌توان در وضعیت مذکور، شدت مجازات را معادل اقدام مجرمانه دانست؛ اما در وضعیتی که احتمال کمتر از ده درصد برای آسیب به جان متصور است، می‌بایست در دیدگاه معتدلانه، تنها پرداخت دیه در حکم جرم غیر عمدی را تعیین کرد.

اقدامات پیشگیرانه حکومت در این خصوص نیز مشهود بوده و می‌بایست با اقدامات مقتضی مانع از ورود افراد محتمل به وقوع جرم، به فضای متاورس گردد.

در وضعیتی که اعمال مجرمانه عامدانه در فضای متاورس انجام شده است، کاربر را می‌توان مباشر دانست؛ چراکه ابزار ارتکاب جرم، بی‌جان بوده و نمی‌توان مباشرت جرم را به آنها نسبت داد. در این وضعیت مباشر جرم، همان کاربر است، مگر آنکه شخصی دیگر کاربر را برای ارتکاب جرم هدایت کرده که در این صورت جرم معاون نیز محرز است.

۸. بررسی تحلیلی تطبیقی

تمامی مذاهب اسلامی در این مسئله اتفاق نظر دارند که اطلاع از احتمال وقوع جرم، برای مرتکب آن ایجاد مسئولیت می‌نماید. همچنین جملگی فقهای اسلامی نیز بیان داشته‌اند که عدم اطلاع از نتیجه مجرمانه، به جز در چند مورد خاص، نمی‌تواند مانع از مسئولیت کیفری گردد. همچنین به لزوم تعزیر خاطی فاحش نیز تأکید داشته‌اند. در این وضعیت اگر در متاورس، به صورت عمدی به دیگری آسیبی وارد شود، مسئولیت مباشر آنکه همان کاربر مجرم می‌باشد؛ محرز است؛ اما اگر این اقدام بدون اراده انجام شود و لیکن در سطح احتمال خاص، به وقوع آن آگاهی وجود داشته باشد، می‌توان خاطی را مجازات نمود. با توجه به تعریف جرم در ماده دوم

اگر این قواعد به مسئله متاورس تعمیم داده شود، می‌بایست چنین بیان داشت که اگر احتمال وقوع جرم به سبب اقدام تبعی، بیش از ۵۰ درصد باشد، اقدام به فعل اصلی در حکم اقدام عامدانه؛ در غیر این صورت مشمول عنوان خطای محض است. خطای محض تنها یک‌بار قابلیت حمایت دارد. در عین حال مسئولین حکومتی در آموزش به شهروندان دارای مسئولیت بوده و پس از آموزش مکفی، مسئولیت کیفری محقق است.

از بین مذاهب اسلامی، حنابله بیش از دیگر مذاهب به مسئله تسبیب توجه داشته‌اند. چنین بیان شده که اگر جرمی واقع شود؛ در وهله نخست مباشر آن یافت شود. اگر مباشر متصور نبود، مسبب آن یافت شود. اگر انتساب فعل مجرمانه به هیچ شخصی ممکن نبود، جبران خسارت از بیت‌المال صورت گیرد. بنابراین حسب قاعده تسبیب، نمی‌توان جرائم صورت گرفته در فضای مجازی را به سبب عدم ارتکاب مستقیم توسط انسان، به حال خود رها نمود و به نحو مقتضی می‌بایست بازدارندگی مقتضی از ارتکاب آن صورت پذیرد.

۳-۷. واکاوی نظریات تعمیم نظریات به قواعد

حقوقی: جملگی فقها بیان داشته‌اند که حسب قواعد لاضرر، احتیاط و ... می‌بایست از ارتکاب افعالی که به تبع آن اقدام مجرمانه حاصل می‌گردد، خودداری نمود؛ اما در شدت احتمال وقوع جرم، اختلاف نظر وجود دارد. قانون‌گذار کیفری در مواد ۱۵۳ و ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی، چنین ذکر نموده که در وضعیت مستی و بیهوشی، اگر عامدانه و با هدف ارتکاب مجازات انجام شده باشد، جرم عمدی دانسته شده است. اقدام قانون‌گذار به نظر جمهور فقهای امامیه نزدیک است. با این حال برخی فقهای امامیه معاصر نظری نزدیک به فقهای اهل سنت بیان کرده‌اند. در نظریه احتیاطی، بسته به شدت احتمال وقوع جرم، می‌بایست از ارتکاب فعل مادر خودداری نمود. در خصوص شدت مجازات این‌گونه جرائم، اختلاف نظر وجود دارد به طوری که در دیدگاه تندروانه، مجازات این وضعیت به مانند جرم عمدی است و در دیدگاه معتدلانه، این مجازات نصف مجازات عامدانه می‌باشد.

۴. حکومت در تعزیر خاطیان مختار است. بنابراین در وضعیت خطای محض می‌توان به نسبت جرم عمدی، مجازاتی نسبتاً سنگین برای خاطی در نظر گرفت.

۵. حکومت وظیفه دارد که ضمن تحقیق کامل و تخصصی در خصوص فضای متاورس، جنبه‌های مجرمانه و احتمال وقوع آن را شناسایی نماید.

۶. با توجه به ساختار خاص نظام حقوقی کشورمان، نیاز است که در خصوص اعمال مجرمانه متاورس، جرم‌انگاری انجام شود.

۷. مسئولیت اطلاع‌رسانی جرائم نیز بر عهده حکومت بوده که می‌بایست جزئیات آن به صورت دقیق ذکر گردد.

مبتنی بر نتیجه تحقیق، پیشنهاد می‌شود که در قانون آتی، تمامی موارد مذکور، مد نظر قرار گیرد.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

قانون مجازات اسلامی، اگر افعال مد نظر با سطح احتمال معین جرم‌گیری شوند، نمی‌توان آنان را غیر عمدی لحاظ نمود و به سبب وجود عنصر قانونی، حتی به فرض فقدان اراده، مجازات را بر مجرم اعمال نمود.

با توجه به اینکه اختلاف نظر در خصوص شدت مجازات، احتمال و خاطیان مشهود است؛ می‌توان در این خصوص نظر جمهور فقهای اسلامی را ملاک قرار داد که طبیعتاً نظر فقهای معاصر امامیه ارجحیت دارد. به نظر می‌رسد که قانون‌گذار نظر فقهای معاصر را چندان مد نظر قرار نداده و نیاز است که در تدوین قانون جدید مرتبط با متاورس، به این مسئله توجه نماید.

نکته قابل بحث دیگر، مسئولیت حکومت در آموزش صحیح به شهروندان است. به عقیده اکثریت فقهای اهل سنت، در صورت آموزش مکفی در خصوص مسائل مجرمانه، حجت بر همگی تمام شده و نمی‌توان با عذر عدم اطلاع، از مسئولیت شانه خالی نمود؛ لذا مسئولیت اطلاع‌رسانی و همچنین پیشگیری برای دولت محرز است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱. هرگونه اقدام عامدانه در فضای متاورس که موجب آسیب به جان کاربران گردد، در حکم مباشرت جرم قابل رسیدگی می‌باشد. این جرائم مشتمل بر قصاص عضو، تعزیرات و دیه خواهد شد.

۲. اگر اختلافات روانی ادواری در وضعیت افاقه، با اختیار کامل به فضای متاورس وارد شده و سپس فقدان عقل بر وی چیره شده که نتیجه آن آسیب وارده به جان دیگر کاربران باشد، این اقدام نیز در حکم مباشرت در جرم عامدانه می‌باشد.

۳. در خصوص ارتکاب جرائم غیر عمدی، می‌بایست میزان احتمال وقوع جرم، مد نظر قرار گیرد. این معیار در منابع حقوقی آتی می‌بایست تعیین گردند. بنابراین حسب اطلاع از احتمال وقوع جرم، اقدام مباشر در ورود به فضای متاورس، می‌تواند از نوع عامدانه و یا خطای محض تلقی گردد.

References

*** Holy Quran.

1. Zirā'at, A. Jarā'im 'Alayh Ashkhāṣ. Tehran: Fikrsāzān. 2023(1385). 1:11. [In Persian]
2. 'Abdullāhī, I. Mas'ūliyyat Kiyfarī Bidūn Taqṣīr dar Niẓām Ḥuqūqī Irān wa Ingilistān. Tehran: Mīzān. 2013(1393). 1:83. [In Persian]
3. Afrin, B. "Bipolar Disorders from the Perspective of Criminology". *Payam Noor University*. 2009(1389). 1. [In Persian]
4. Qārī, M' A. Majalih Aḥkam Sharī'at. 9th ed. Beirut: Dār al-Kutub al-Islāmīyyat. 2023(1359). 1:549. [In Arabic]
5. Khālighi A, Rajab, MA. "Analysis of a Type of Criterion in the Psychological Element of the Crime of Intentional Homicide (Comparative Study)". *Criminal Law Journal*. 2012(1391). 4 (1): 121-146. [In Persian]
6. Abbasi M, Gholami N. "Jurisprudential-Legal Analysis of the Execution of the Sentence Against the Condemned after Insanity". *scientific-research journal of medical jurisprudence*. 2016(1395). 9 (30): 77-90. [In Persian]
7. Biglari, P. "Examining the Psychological Element of the International Crime of Genocide in Jurisprudence and Law, Comparative Research of Islamic and Western Laws". *Npn*. 2016(1395). 4 (1): 1-30. [In Persian]
8. Saleh Abadi, M. "Investigating the Role of will in the Psychological Element of Crime". *the Third National Conference of Modern Researches in the Field of Humanities and Social Studies of Iran*. 2016(1395). 1. [In Persian]
9. Imani, M. "Comparative Study of the Indicators of the Psychological Element of Crime in the Legal System of Iran and England". *Tabriz University*. 2018 (1397). 1. [In Persian]
10. Shah Balkhi, R. "The Position of the Psychological Element of Intentional Crimes in the Criminal law of Afghanistan and Iran". *Jamia al-Mustafa al-Alamiya*. 2019(1398). 1. [In Persian]
11. Ghiyathian A. "Jurisprudential Review of Bipolar Disorder in Psychiatry". *International Conference on Humanities and Behavioral Studies. Ide Pardaz Institute of Managers*. 2013(1392). 1. [In Persian]
12. Abdusatarov, Jaloliddin. "Issues That Need to Be Resolved When Developing the Legal Framework Of International Private Law Relations In Metaverse." *World Bulletin of Management and Law* 21 (2023): 193-204.
13. Sümeýra A, Erkan A, and Kapidere M. "Spor Eđitiminde Metaverse." *Eđitimde Metaverse: Kuram ve Uygulamalar* (2023): 165. [In English]
14. Albouali M, Chatraie N. "The Role of the International Criminal Police Organization (INTERPOL) in the Process of Extradition of Criminals and Judicial Assistance." (2020): 112-132. [In English]
15. Anderson J, Rainie L. "The metaverse in 2040." *Pew Research Centre*. 30 (2022).4. [In English]
16. Soran, F. "Examining the Spiritual Element of Cyber Crimes". *Payam Noor University*. 2023(1402). 11. [In Persian]
17. Azizi, M. "Analyzing and Examining the Psychological Element in Intentional Crimes with an Overview of Iranian Jurisprudence and Laws". *Islamic Azad University*. 2017(1396). 93. [In Persian]
18. Sadeghi, A. "The psychological Element of Intentional Homicide in the Light of the New Islamic Penal Code". *Islamic Azad University*. 2013(1392). 1. [In Persian]
19. Ḥurr 'Āmilī, M. Wasā'il al-Shī'at. Qum: Āl al-Bayt. 1988(1409). 1:43 [In Arabic]
20. Ḥimawī, A. Naẓā'ir. Beirut: Dār al-Kutub. 1979(1400). 276. [In Arabic]
21. Ṣadr, S. Māwarā' al-Fiḥ. Beirut: Dār al-'Aḏwā'. 1999(1420). 1:432. [In Arabic]
22. Anṣārī, Y. al-Maṭālib. Damascus: Dār al-Kitāb. 1996(1417). 2:431. [In Arabic]
23. Abū Ishāq, J. al-Muhadhdhab. 3rd ed. Damascus: Dār al-Kabīr. 1995(1416). 1:38. [In Arabic]
24. Rashīd Riḏā, M. Tafṣīr al-Minār. 3rd ed. Cairo: Dār al- Azhar. 1911(1330). 1:652. [In Arabic]
25. Dasūqī, M. Ḥāshīyyat al-Dasūqī 'Alā Sharḥ al-Kabīr. 11th ed. Damascus: Dār al-Kitāb. 1992(1413). 3:428. [In Arabic]
26. al-Adawī, AḤ. Ḥāshīyyat al-Kifāyat. 11th ed. Damascus: Dār al-Kitāb. 1994(1415). 3:342. [In Arabic] الاودی ؟
27. Mudūd, A. Wiṣāl Muṣūl. Qum: Islāmīyyat. 1980(1401). 252. [In Arabic]

28. Dāmād Iffindī, M. Majma' al-Nahār. Cairo: Dār al-Azhar. 1668(1079).1: 122. [In Arabic]
29. Nawawī, Z. al-Muhadhdhab. 4th ed. Damascus: Dār al-Kutub. 1987(1408). 5:108. [In Arabic]
30. Ṭūsī, M. Tamhīd al-Uṣūl. Tehran: Falsafih wa Hikmat Iran. 1979(1358). 1:104. [In Persian]
31. Sharanbilālī Ḥ, Marāqī F. Hāshīyyat al-Taḥṭāwī. Cairo: Dār al- Azhar. 2019(1398). 1:123. [In Arabic]
32. Balkhī, L. al-Fatāwī. 13th ed. Beirut: Dār al-Kutub. 1979(1400). 5:136. [In Arabic]
33. Ibn Nujaym, Z. al-Baḥr al-Rā'iq Sharḥ Kanz al-Daqā'iq. Damascus: Ṣāliḥīn. 1991(1412). 2:210. [In Arabic]
34. Ibn 'Ābidīn, MA. Hāshīyat Radd al-Muḥṭār 'Alā al-Durr al-Mukhtār. 4th ed. Damascus: Ṣāliḥīn. 1991(1412). 2:236. [In Arabic]
35. Azharī, Ṣ. Jawāhir al-'Aklīl. Damascus: Dār al-Kutub. 1984(1405). 1:172. [In Arabic]
36. Ibn Ḥanbal, A. Musnad al-Imām Aḥmad Ibn Ḥanbal. 10th ed. Baghdad: Dār al-Salāmīyyah. 1995(1415). 1:541. [In Arabic]
37. Shirbīnī, M. Ṣādiqīyyah. Damascus: Dār al-Qalam. 1990(1411). 1:366. [In Arabic]
38. Ibn Quddāmat, 'A. al-Mughnī. 7th ed. Cairo: Dār al-Azhar. 1990(1411).1:435. [In Arabic]
39. Ibn Humām, K. Faṭḥ al-Qadīr. 3rd ed. Damascus: Dār al-Kitāb. 1986(1407). 1:101. [In Arabic]
40. Ibn Ḥajar, AR. Faṭḥ al-Bārī. Damascus: Dār al-Kutub. 1988(1409). 3:214. [In Arabic]
41. Ibn Taymīyyat, A. Muḥarrar. 17th ed. Amman: Qiyās. 1988(1409). 2:123. [In Arabic]
42. al-Nafrāwī, SA. al-Fawākih al-Ddawānī. 7th ed. Cairo: Dār al-Islāmīyyat. 1993 (1413). 1:363. [In Arabic]
43. Māwardī, A. al-Ḥāwī al-Kabīr Fī Fiqh Madhhab al-Imām Shāfi'ī. 11th ed. Damascus: Dār al-Kutub. 1997(1417). 3:127. [In Arabic]
44. Buhūtī, M. Kashshāf al-Qinā' 'An Matn al-'Iqnā'. 12th ed. Amaan: Qiyās. 1641(1051). 2:324. [In Arabic]
45. Sarakhsī, M. al-Mabsūṭ. 3rd ed. Qum: Dār al-Qalam. 2013(1434). 2:217. [In Arabic]
46. Doshaei, N. "the Extent of Criminal Liability In Patients With Bipolar Disorder In Iran and England". *Payam Noor University*. 2018(1398). 1. [In Persian]
47. [34]; 2:263. [In Arabic]
48. Ibn 'Abd al-Raḥmān, M. Tafsīr. 16th ed. Cairo: Dār al- Azhar. 1985(1406). 2:237. [In Arabic]
49. Mawwāq Mālikī, M. Mawāhib. 16th ed. Cairo: Dār al- Azhar. 1986(1407). 409. [In Arabic]
50. Najdī, 'U. Hidāyat al-Rāghib. 8th ed. Muscat: Dār al-Salām. 1685(1097). 2:245 [In Arabic].
51. Ghanbarpoor B, Naghibi A. "The Responsibility of The Effective Factors in Causing Injuries Caused by Robotic Surgeries". *Medical Figh Journal*. 2023. 15(45). 2. [In Persian]